

## بررسی اسطوره‌ی کودک رها شده در قصه‌ی «زَرَبَان»

با تکیه بر شباهت‌ها و تفاوت‌های این روایت با داستان زال در شاهنامه‌ی فردوسی

### عظیم جَبَّارِه ناصرو<sup>۱</sup>

#### چکیده

اسطوره‌ی کودک رها شده، بن‌مایه‌ای است که در میان برخی از ملت‌های صاحب اسطوره و افسانه‌های کهن دیده می‌شود. یکی از معروف‌ترین روایت‌های مکتوب این بن‌مایه در ایران، ماجرای تولد زال در شاهنامه است. این بن‌مایه در ادبیات فولکلور ایران نیز نمونه‌هایی دارد. یکی از این روایت‌ها که پیش از این در جایی ثبت نشده، قصه‌ی «زَرَبَان» در روستای بهاره-استان فارس- است. نگارنده، نخست به روش میدانی و از طریق مصاحبه با افراد کهن‌سال این قصه را ثبت کرده و سپس با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان داستان عامیانه و قصه‌ی زال در شاهنامه، به تحلیل روایت عامیانه پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این روایت در خطوط اصلی همانند داستان زال در شاهنامه است؛ اما تفاوت‌هایی بنیادین هم دیده می‌شود که باعث شده است روایتی کاملاً بومی و متفاوت خلق شود؛ این تفاوت‌ها عبارتند از: آغاز متفاوت، چیرگی فضای اسطوره‌ای بر بیشتر بخش‌های داستان عامیانه، افزوده شدن شخصیت‌هایی مانند چوپان، گولک، پری و دوالپا، تأثیر باورهای مردم منطقه در روال داستان و افزوده شدن حوادث فرعی و سرگرم‌کننده به داستان عامیانه.

واژه‌های کلیدی: زال، زَرَبَان، کودک، موی سپید.

---

<sup>۱</sup> - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران. Azim\_jabbareh@yahoo.com

## ۱. مقدمه

قصه‌ها و افسانه‌ها بخش مهمی از فولکلور هر قوم را تشکیل می‌دهند. ادبیات شفاهی هر ملت، آینه‌ی تمام‌نمای باورها، اندیشه‌ها، آداب و رسوم و آرزوهای آن ملت است. اهمیت این بخش از ادبیات که سده‌ها در جهان و به طریق اولی در کشور ما مورد بی‌مهری قرار گرفته بود، بر هیچ کسی پوشیده نیست. تلاش بزرگانی مانند صادق هدایت، انجوی شیرازی، صبحی مهتدی و بسیاری دیگر از بزرگان سبب شد این بخش از ادبیات در کشور ما مورد توجه پژوهشگران قرار بگیرد و در طول چندین دهه، تلاش‌های ارزنده‌ای برای ثبت و تحلیل این گنجینه‌ی عظیم ملی انجام شود. با این وجود هنوز هم با گذر هر ثانیه، بخشی از این گنجینه برای همیشه از میان می‌رود. مرگ هر پیرمرد و پیرزنی در این دیار، مرگ بخشی از این گنجینه برای همیشه است.

از سوی دیگر، گسترش روزافزون تکنولوژی و رشد چشم‌گیر رسانه‌های صوتی، تصویری و مجازی، جهان را به دهکده‌ای بدل کرده است که گرایش به زبان معیار و از آن فراتر، زبان جهانی در آن روز به روز بیشتر دیده می‌شود. همه‌ی این عوامل در کنار عواملی مانند بی‌توجهی به گونه‌های مختلف ادبیات عامه، رشد شهرنشینی و فرار از روستاها سبب شده است تلاش برای ثبت و ضبط ادبیات عامه‌ی این مرز و بوم بیش از پیش اهمیت پیدا کند. شاید بتوان گفت از میان گونه‌های مختلف ادب عامه، قصه‌ها و افسانه‌ها بیش از دیگر گونه‌ها در معرض نابودی هستند. یکی از این قصه‌ها، قصه‌ی «زربان» است که سیف‌الله عزیزی از اهالی روستای بهاره و مهری غلامی از روستای رمقان آن را روایت می‌کنند. نگارنده، نخست به شیوه‌ی میدانی هر دو روایت را ضبط و آوانگاری کرده است. این دو روایت در دو بخش با یکدیگر تفاوت دارند: ۱- چگونگی تولد. ۲- حیوان محافظ کودک. با توجه به کامل بودن روایت عزیزی، روایت ایشان مبنا قرار گرفت و تفاوت‌ها نیز بررسی و تحلیل شده است.

این قصه، تکرار بن‌مایه‌ی کودک رها شده است که در اساطیر جهان نموده‌ای فراوانی دارد. روایت عامیانه در بسیاری از خطوط داستان، شبیه به داستان زال در شاهنامه است؛ هر چند حضور موجوداتی

مانند گولک، همزاد، دوالپا، و پری و هم‌چنین باورهای مردم این منطقه، رنگی بومی و محلی به قصه داده است.

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

پیش از این درباره‌ی قصه‌ی زَرَبان هیچ پژوهشی انجام نشده است؛ اما درباره‌ی زال و هم‌چنین کودکان رها شده در اساطیر، پژوهش‌هایی انجام شده است. پژوهش‌های مربوط به زال را به طور کلی در چند بخش می‌توان بررسی کرد: نخست پژوهش‌هایی که از دید روانکاوانه و یا با رویکردهای نوین نقد ادبی به بررسی داستان و یا شخصیت زال پرداخته‌اند. برای نمونه، مقاله‌ی «نقد و بررسی شخصیت زال از نگاه آلفرد آدلر» از حسینعلی قبادی و مجید هوشنگی (۱۳۸۸) از این گونه است. دسته‌ی دوم، پژوهش‌هایی است که بخشی از زندگی زال را مانند تولد، فرجام، پیوندش با رودابه و یا جنبه‌ای از شخصیت او را بررسی کرده‌اند. مقاله‌ی «فرجام زال» (۱۳۸۶) از یاحقی و براتی از این گونه پژوهش‌هاست. دسته‌ی سوم، پژوهش‌هایی است که به گونه‌ای تطبیقی به بررسی شخصیت زال و شخصیت حماسی و یا اساطیری دیگری پرداخته‌اند. مقاله‌ی «بررسی تطبیقی شخصیت زال و ایندره در شاهنامه و ریگ‌ودا» از سعید شهروی و همکاران (۱۴۰۰) در این زمره است.

درباره‌ی اسطوره‌ی کودک رها شده نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. کویاجی (۱۳۹۹) به بررسی همانندی‌های لائودزو و هائو-کی پرداخته است. لایلا چهل امیرانی و جمال عرب‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «تحلیل بازنمود زال کودک اسطوره‌ای (رها شده) در نگاره‌ی گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن زال از شاهنامه‌ی طهماسبی با رویکرد بینامتنیت» به بررسی میزان موفقیت نگارگران در بازنمایی مضمون کودک رها شده در شاهنامه‌ی طهماسبی پرداخته‌اند. زهرا شیردل و ابوالقاسم رحیمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «تحلیل اسطوره‌ی کودک رها شده در روانشناسی یونگ» چرخه‌ی تکامل روانی دوازده شخصیت از شاهنامه را که بن‌مایه‌ی رهاشدگی و تبعید در دوران کودکی در زندگی آن‌ها وجود داشته است، بررسی کرده‌اند. آسیه ذبیح‌نیا عمران در مقاله «بررسی تطبیقی تراژدی زال، پهلوان اسطوره‌ای ایران و کودکان رها شده اساطیر جهان» کودکان رها شده در اساطیر را